

بیانیه هیأت سیاسی-اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره بمباران یکماهه افغانستان

ما خواهان توقف بیدرنگ بمباران افغانستان هستیم

بیش از یکماه از آغاز یورش هوایی آمریکا و انگلیس به افغانستان می‌گذرد. این یورش که با تلفات انسانی بسیار و نتایج سیاسی ناملموس مشخص می‌شود، با دور زدن شورای امنیت سازمان ملل متحد آغاز شد و همچنان بدون نظارت این ارگان ادامه دارد.

مبتکران این عملیات نظامی ترور جنایتکارانه ۱۱ سپتامبر را، که همدردی جهانیان با بازماندگان قربانیان و مردم آمریکا و خشم بین‌المللی علیه تروریست‌ها و تروریسم را برانگیخت، جواز آن می‌دانند تا نه تنها متحدانشان در ناتو، بلکه همگان به به تأیید تصمیمات آنان برخیزند و صرفاً "دنبال‌رو واشنگتن باشند.

از سوی دیگر بمباران افغانستان که اکنون بکارگیری بمب‌افکن‌های ب ۵۲ و بمب‌های خوشه‌ای بطلان ادعاهای دایر «محدود بودن به اهداف نظامی» و «تمیزبودن» آن را عیان کرده است، هنوز هم در بهم زدن توازن قوای سیاسی علیه حکومت طالبان موفقیت جدی به بار نیاورده است. این واقعیت تنها با دیپلماسی آمریکا در افغانستان قابل تبیین است و از منافع سیاسی آمریکا و متحد آن، پاکستان، نشأت می‌گیرد.

در مقیاس جهانی این باور رو به افزایش است که مشی «ضدتروریستی» واشنگتن پیش از همه در خمت حضور نظامی مستقیم آمریکا در آسیای میانه است و جرج بوش و تیم حکومتی او واقعه ۱۱ سپتامبر را عمدتاً "برای استفاده ابزاری از آن به کار گرفته‌اند.

مرور بر اوضاع دو ماه گذشته هر چه بیشتر روشن می‌کند که بهره‌گیری خردمندانه از شرایط پدید آمده پس از ۱۱ سپتامبر برای مبارزه جهانی علیه تروریسم بطور عام و بر ضد دارودسته اسامه بن لادن و حکومت طالبان بطور خاص، صورت نگرفته است. در شرایطی که اراده نیرومندی در مقیاس جهانی می‌توانست فراهم آید و هنوز نیز می‌تواند فراهم آید تا با فشار بر طالبان و حامیان آن، و توأماً اقدام برای ایجاد یک حکومت فراگیر، ملی و مسئول در افغانستان، و نیز با فشار بر دولت ماجراجوی اریل شارون در اسرائیل و به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین مبارزه‌ای موفقیت آمیز علیه تروریسم آغاز گردد، روندی پیش رفته است که نتیجه آن تاکنون منفی بوده است. در افغانستان فاجعه انسانی، از کشتار تا آوارگی و گرسنگی میلیونی، عمیق‌تر شده است؛ در فلسطین دامنه اشغالگری نظامی اسرائیل گسترش یافته و بنیادگرایان فلسطینی میداندار شده‌اند، در پاکستان وضع بحرانی پدید آمده و گرایش طرفدار طالبان تقویت شده است... این همه ناشی از آن است که خواست جهانی به جای آن که از مجرای واقعی خود یعنی سازمان ملل متحد تحقق یابد، در چنبره منافع و سیاستهای برتری جویانه، و انحصارطلبانه آمریکا گرفتار آمده است. فرصتی طلایی برای اقدام مشترک بشریت علیه تروریسم، چه در اشکال دولتی و چه در انواع گروهی آن، و امکانات مثبت پدید آمده در این زمینه رو به افول نهاده‌اند.

هیأت سیاسی-اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تأکید بر مواضع و دیدگاههای اعلام شده در اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های خود و قطعنامه شورای مرکزی سازمان، خواهان توقف بیدرنگ بمباران افغانستان توسط آمریکا و انگلستان، و بر آن است که اعمال فشار نظامی علیه حکومت طالبان باید با محوریت سازمان ملل متحد انجام گیرد

و ابتکارات مسالمت آمیز برای استقرار یک دولت فراگیر و مسئول در افغانستان زیر نظر این سازمان صورت پذیرند. عنصر مرکزی در راه حل بحران افغانستان حکومت جانشین طالبان، روند حصول به این حکومت و ابزار تحقق آن است و شاخص موضع بازیگران مختلف صحنه سیاسی افغانستان نیز همانا پاسخی است که به حکومت جانشین طالبان می دهند و طریقی که برای استقرار حکومت مورد نظرشان پیش می گیرند.

افغانستان تاکنون تجربه سنگین و پردردی را از انواع حکومت های انحصاری و قوم یا مذهب مدار از سر گذرانده است. این تجربه نشان می دهد که یگانه طریق ثبات و آشتی در افغانستان استقرار حکومت ائتلاف ملی است که در روند مصالحه ملی و زیر هدایت سازمان ملل شکل گرفته باشد.

این حکومت ائتلافی قطعاً باید بازتاب همه اقوام و مذاهب ساکن افغانستان باشد، اما همچنین قطعاً نمی تواند تنها ائتلافی قومی و مذهبی باشد. بازسازی افغانستان، سوای کمک های گسترده جامعه جهانی، نیازمند مشارکت عموم نیروهای سیاسی و گرایش های اجتماعی- مدنی آن، از جمله نیروهای لائیک، روشنفکران، دموکرات ها، نمایندگان جنبش های اجتماعی زنان و دیگران است: نیروهایی که بر مبانی قومی یا مذهبی تعریف نمی شوند.

ما از کوششهایی که برای استقرار حاکمیتی ائتلافی از نمایندگان اقوام، مذاهب و گرایش های سیاسی و اجتماعی افغانستان در روند آشتی ملی و زیر هدایت سازمان ملل متحد صورت می گیرند حمایت می کنیم و بر این اعتقادیم که تنها چنین حاکمیتی می تواند تأمین کننده ثبات و آرامش استوار در افغانستان و تأمین کننده شرایط بازسازی افغانستان باشد.

مواضع جمهوری اسلامی در قبال اوضاع افغانستان بطور کل و در قبال حکومت جایگزین طالبان بطور خاص، متناقض، انفعالی و مغایر با منافع ملی ایران بوده است. تحرک نسبی و مواضع بموقع و مسئولانه دولت خاتمی در روزهای نخست پس از ۱۱ سپتامبر در قبال عملیات تروریست، بلافاصله جای خود را به میداننداری ولی فقیه و برآمدهای بغایت غیرمسئولانه و تحریک آمیز رهبر حکومت داد. اکنون سیاست خارجی جمهوری اسلامی در موضوع افغانستان در چنبره تناقض چندین جانبه ای است: اول آن که از سوی دو جناح عمده حکومتی دو سیاست آشکارا متفاوت به مناسبات خارجی کشور ما حقنه می شود، دیگر آن که در کارزار ضد تروریستی پدید آمده و در این ارتباط که جمهوری اسلامی در کجا قرار گیرد و با چه ابتکاراتی جای خود را تعیین کند. از سویی دولت می کوشد خود را به جبهه ضد تروریستی نزدیک نشان دهد و حضوری هر چند کم رmq در ابتکارات چاره جویانه داشته باشد و از سوی دیگر آقای خاتمی این ترجیع بند را تکرار می کند که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی حرف آخر با رهبر ولی فقیه است. سرآخر این که پیش کشیدن «دولت ربانی» بعنوان دولت قانونی افغانستان، توسط دولت خاتمی، تجربه ای تجربه شده و بیگانه با واقعیات جامعه افغانستان است.

هم از این روست که ما شاهد انفعال جمهوری اسلامی در تغییر و تحولات آینده ساز منطقه هستیم و با درد تمام مشاهده می کنیم که تقریباً هم حکومت های کشورهای همسایه نزدیک و دور کشور، نهایت بهره برداری از اوضاع جدید را مدنظر دارند. مجموعه بی انتظام مؤلفه های سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال افغانستان، که با معرفی «دولت ربانی» بعنوان دولت قانونی افغانستان از سوی و حمایت از گلبدین حکمتیار از سوی دیگر و با مخالفت بی مایه با حضور مجدد ظاهر شاه در حیات سیاسی افغانستان شاخص می شود. سیاستی مخالف و بیگانه با ثبات و آرامش در افغانستان را ترسیم می کند و در سیر عملی خود به تقویت طالبان می انجامد. چنین سیاستی در مبنایت کامل با منافع ملی کشور ما قرار دارد.

به باور ما جمهوری اسلامی از بهترین موقعیت تاریخی برای حل و فصل مسائل خود با آمریکا برخوردار شد و هنوز هم برخوردار است؛ به اعتقاد ما تشکیل یک حکومت فراگیر به جای طالبان نخستین نیاز منافع ملی ماست؛ به نظر ما حضور دولت ایران در همه عرصه‌های دیپلماسی موجود و جاری پیرامون بحران افغانستان، یک نیاز مبرم است؛ ما معتقدیم که جسارت در پیشبرد سیاست خارجی منطبق بر منافع عمومی مردم افغانستان و در انطباق با مصالح مردم ایران که قطعاً ترکیبی ممکن است، در عرصه داخلی کشور ما نیز به سود روندهای اصلاح طلبانه عمل خواهد کرد.

هیأت سیاسی-اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۹ آبان ۱۳۸۰

۱۰ نوامبر ۲۰۰۱